

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی(ره)

* ناصر پورحسین^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۲۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۰

چکیده:

حدود چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی می‌گذرد که برای شناخت یک انقلاب بزرگ، کافی نیست. انقلاب‌ها را می‌توان در سطوح ریشه‌ها، روندها و پیامدها تحلیل کرد. «نظام‌سازی» به سطح روند یا مرحله گذار از نظام کهن به نظام انقلابی مرتبط است. این مقاله اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره) در حوزه نظام‌سازی نظامی را تحلیل کرده‌است. نتیجه پردازش فرضیه مقاله این است که ساختار نظامی - امنیتی پهلوی با مدیریت امام خمینی (ره) به گونه‌ای به وضعیت جدید گذار کرد که از یکطرف بنیان‌های نظامی سابق، باقی ماند و ارتش جمهوری اسلامی برپایه همان ارتش پهلوی بازتولید شد و از خلاء نظامی برای فروپاشی نظام پسا پهلوی جلوگیری شد و از طرف دیگر، شاکله مدیریتی ارتش ایران، به نحوی آرام تغییر کرد که اعاده رژیم کهن و پیشا انقلابی نیز میسر نشد. این مقاله به شیوه کیفی و با روش توصیفی - تحلیلی پردازش شده‌است. واژگان کلیدی: ارتش، انقلاب اسلامی، امام خمینی، رژیم پهلوی، نظام‌سازی.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی(ره) Na.pourhassan@abru.ac.ir

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران برای سیاستمداران جهان غافلگیر کننده بود؛ به گونه‌ای که «آژانس اطلاعات دفاعی»^۱ آمریکا در ارزیابی اطلاعاتی ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ اعلام کرد انتظار می‌رود شاه تا ۱۰ سال دیگر قدرت را در دست داشته باشد و سازمان سیا نیز در ماه اوت همانسال (مرداد ۱۳۵۷) برآورد کرد ایران در وضع انقلاب یا حتی ماقبل انقلاب قرار ندارد. (لدین و لوئیس، ۱۳۶۱: ۳۷) این انقلاب شگفتی جامعه شناسان انقلاب را نیز برانگیخت، زیرا در قالب هیچکدام از نظریه‌های متعارف انقلاب‌ها نمی‌گنجید. انقلاب اسلامی پس از پیروزی و گذار به نظام سیاسی جدید نیز دارای ویژگی‌های خاصی بوده که آنرا از پدیده‌های مشابه، متمایز می‌نماید. استمرار انقلاب با توجه به حضور بازیگران متعدد آن، که تفاوت‌های ایدئولوژیک بنیادین با هم داشتند، نیز بسیار سخت بود.

موقعیت ویژه دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی بیشتر عیان می‌شود که نقش نیروهای خارجی برای سرنگونی انقلاب و اعاده وضعیت پیشانقلابی نیز لحاظ شود. در چنین شرایطی، از یکسو، ارتش سازمان‌یافته ایران به دلیل آنکه از دشمن خارجی شکست نخورده بود، به استثنای فرار برخی سران آن، با ساختار وابسته، تداوم یافت. از سوی دیگر، برخی از نیروها و گروه‌های انقلابی دارای میلشیی با تجربه و سازمان‌یافته بودند. همپوندی ایدئولوژیکی برخی از این سازمانها با بازیگران خارجی

سازم شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۴۸

1 - Defence Intelligence Agency=DIA

موجب شد نظام انقلابی از همان آغاز با غائله‌های مهمی چون گنبد و کردستان مواجه شود. جمهوری اسلامی هنوز بر بحران‌های متنوع و متراکم داخلی غلبه نکرده بود که با طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم مواجه شد. با این اوصاف نظام انقلابی ایران توانست تمامی بحرانهای پیش‌روی خود را مدیریت کند.

این مقاله می‌کوشد به تامل درباره گذار سیاسی قدرت نظامی - امنیتی در ایران، به این سؤال بپردازد که چگونه در جمهوری اسلامی، ساختار قدرتمند نظامی ایران به رغم وابستگی شدید به غرب از نظر نیروی انسانی و زیرساخت‌های نظامی فروپاشید و نظامیان نیز نتوانستند رژیم کهن را پس از پیروزی انقلاب اسلامی اعاده نمایند؟ فرضیه ای که در پاسخ به این سؤال پردازش خواهد شد، اینگونه صورت‌بندی شده است که ساختار نظامی ایران با مدیریت امام خمینی (ره) به گونه‌ای به وضعیت جدید گذار کرد که ارتش جمهوری اسلامی برپایه بنیان‌های ارتش پهلوی بازتولید شده و از خلاء

نظامی برای فروپاشی نظام پساپهلوی جلوگیری شد و با تغییر آرام شکله مدیریتی یاست‌پژوی ارتش ایران، اعاده رژیم کهن و پیشانقلابی نیز میسر نشد.

یافتن پاسخ علمی برای سؤال مذکور، موجب می‌شود برخی از وجوه مکتوم انقلاب اسلامی بویژه عظمت و اهمیت مدیریت راهبردی امام خمینی، نمایان تر شود. استمرار انقلاب اسلامی در دوره پساپهلوی و حتی پساامام خمینی به میزان بسیار فراوانی ناشی از نظام‌سازی امام خمینی بویژه در حوزه نظامی - امنیتی است. تاکنون پژوهش‌هایی درباره موضوع این مقاله انجام شده است. سعیده لطفیان پژوهش موسعی درباره «ارتش و انقلاب اسلامی» انجام داده که بخش عمده آن بر شکل‌گیری ارتش پهلوی متمرکز است و بخش‌هایی از آن نیز به پیدایش ارتش جمهوری اسلامی اختصاص یافته -

است. (لطفیان: ۱۳۸۰) بررسی ارتباطات میان ارتشیان مذهبی با نیروهای مذهبی و انقلابی و زمینه‌های پیوستن ارتش به روند انقلاب اسلامی موضوع پژوهش دیگری است. (محمدی ودود: ۱۳۹۳) هیچکدام از پژوهش‌های مذکور در عین تشابه موضوعی،



فرضیه این مقاله را پوشش نداده‌اند و از منظر نظام‌سازی به این موضوع نپرداخته‌اند؛ از اینرو این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی پردازش شده، پژوهشی جدید است.

۱. چارچوب مفهومی؛ نظام‌سازی

موضوع گذار و مدیریت تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نقش امام خمینی را می‌توان در پرتو نظریه‌ها و مفاهیم متعددی تحلیل کرد. این مقاله با بهره‌گرفتن از مفهوم بومی «نظام‌سازی» می‌کوشد گذار مذکور را تبیین نماید. اما نظام‌سازی چیست؟ نظام - های سیاسی به شیوه‌های گوناگون دچار تغییر و تحول می‌شوند. انقلاب‌ها اگر به معنی واقعی آن رخ دهند، نظام سیاسی مستقر را به طور کامل در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی دگرگون می‌کنند. نظام‌سازی به معنی قالب دادن به جامعه و مشخص کردن مراکز تاثیر گذار در وضعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و مشخص کردن تعامل و ارتباط آنها با یکدیگر است. (مجیدی و اقبال، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

نظام‌سازی پیش‌شرط دولت‌سازی است. دولت‌های انقلابی می‌کوشند متناسب با ایدئولوژی خود، ساختارهای نظامی - امنیتی را بازتولید کنند. نظام‌سازی را می‌توان مجموعه به هم پیوسته‌ای از مؤلفه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تعریف کرد که ماهیت نظام سیاسی جدید را با گذشته متفاوت می‌کند. آیت‌الله محسن اراکی از جمله معدود پژوهشگرانی است که موضوع نظام‌سازی را مطرح کرده‌است. به نظر وی جنبش‌های اسلامی سه مرحله: تولد و بیداری؛ سازندگی فکری - عقیدتی؛ و انقلاب و تشکیل حکومت یا به تعبیر بهتر نظام‌سازی را پشت‌سر گذاشته‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سیدمحمد باقرصدر و امام خمینی نمایندگان اصلی این سه مرحله محسوب می‌شوند. امام خمینی در یک روند چند دهه‌ای، فرایند نظام‌سازی اسلامی را آغاز کرد. ایشان با اصالت دادن به طرح حکومت اسلامی و ولایت فقیه و تصویری معین از نظام سیاسی مورد نظر، در دو مرحله انقلاب و سازندگی پس از آن، نظام سیاسی جمهوری



اسلامی را طراحی و تثبیت کردند. (اراک، ۱۳۸۱: ۱۸۴-۱۸۵) امام پس از شهریور ۱۳۲۰ با نگارش «کشف الاسرار» به عرصه تاملات فکری و سیاسی پانهادند و در صدد یافتن راهی در چارچوب اسلام برای برون رفت از وضعیت بحرانی جامعه ایران بودند. در کشف الاسرار دریافتند در چارچوب سازوکارهای متعارف تحقق جامعه آرمانی اسلامی امکانپذیر نیست و براساس شرع، نظریه جامعه حکومت دینی را طرح کردند که می‌توان آن را موتور اصلی نظام‌سازی اسلامی نامید. ایشان در «تحریرالوسیله» هرگونه تفکیک و گسست میان دین و سیاست را مردود شمرد و در رویکردی متفاوت با مجتهدان پیشین، گام بلندی در نظام‌سازی اسلامی و طرح نظریه حکومت اسلامی برداشت. (ملایی توانایی، ۱۳۸۵: ۴۱۹) امام خمینی از همان لحظه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام به تشکیل نهادهای دولت اسلامی و بنیانگذاری زیرساخت‌های نظام اسلامی بر بنیان اسلامی و بومی کردند. (اراک، ۱۳۸۱: ۱۷۰) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نظام‌سازی روندی است که تمامی وجوه نظام سیاسی را شامل می‌شود و بخش نظامی - یاست‌پژوی

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره)

امنیتی تنها یکی از وجوه آن است. امام خمینی، فرمول‌بندی و نظام‌سازی اسلامی را فراتر از نظام دولت - ملت (مولانا، ۱۳۸۵: ۶۶۴) آغاز و عملیاتی کردند.

۲. فرایند نظام‌سازی نظامی توسط امام خمینی (ره)

چون تمرکز این مقاله بر بخش نظام‌سازی نظامی است، از این رو سایر بخش‌های نظام - سازی، توسط امام خمینی، مفروض گرفته می‌شود. نظام‌سازی نظامی فرایندی طولانی بود که سال‌ها قبل از وقوع انقلاب، آغاز شد. این مراحل را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد.

۲-۱. تکوین ساختار نظامی پیشاانقلابی

ارتش پهلوی، بخش مهمی از نظام سیاسی پهلوی بود و نقش بسیار مهمی درگفتمان پهلویسم داشت. ارتش، هر دو شاه پهلوی را به قدرت رساند و بینان‌های قدرت آنها در



دو کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ گذاشته شد. پهلوی‌ها به دلیل عدم مشروعیت سیاسی، تقویت نیروهای نظامی و حفظ وفاداری آنان را مقدم‌ترین وظیفه خود می‌دانستند. ارتش در کنار دربار و بوروکراسی، اضلاع سه گانه قدرت رضاشاه را تشکیل می‌داد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۶۹) وی از طریق ارتش هم بخشی از فرایند دولت‌سازی بویژه در حوزه مالیات ستانی را انجام داد و هم با ایجاد نظام سربازگیری ملی و سرکوب هویت‌های فروملی، بخشی از روند ملت سازی در ایران را کامل کرد.

محمدرضاشاه به تبعیت از پدرش که خود را فرزند شمشیر خواند بود، گفته بود:

«من از نظر حرفه سرباز هستم و برای هر شاهی، این امتیازی به حساب می‌-

آید.» (بلانشه، ۱۳۵۸: ۱۳۶)

محمدرضا نیز پس از به قدرت رسیدن، برای رقابت با نیروهای جامعه مدنی، جانب نظامیان را گرفت و پایه نظام خود را بر نظامیان استوار ساخت. وی ارتش را در دست خود نگاه‌داشته و برای حفظ وفاداری افسران، امتیازاتی به آنها داد. شاه از محاکمه عمده فرماندهان ارشدی که در شهریور ۱۳۲۰ محل مأموریت خود را ترک کرده بودند، جلوگیری کرد، با تسریع در ترفیع درجه افسران، شمار سرهنگها و فرماندهان عالی‌رتبه را در عرض بیست ماه برابر تعدادی کرد که پدرش در عرض بیست سال بدان میزان رسانده بود. همچنین در حفظ بودجه نظامی، افزایش حقوق افسران و... اقدامات قابل توجهی را انجام داد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۸) ارتش پهلوی بخش بسیار مهمی از بودجه کشور را مستقیم و غیرمستقیم به خود اختصاص می‌داد. بودجه وزارت جنگ در سال ۱۳۰۷، ۴۰/۴ درصد بودجه کشور را شامل می شد (تقوی، ۱۳۸۹: ۹۰) نیروهای نظامی برای محمدرضاشاه، تا حدی اهمیت داشت که وقتی بودجه کشور سال ۱۳۲۲ بحرانی شد، ترجیح داد بودجه بخش‌های کشاورزی، آموزش و پرورش یا بهداشت عمومی متوقف شود، اما مبلغی از بودجه ارتش کم نشود. (زونیس، ۱۳۸۷: ۱۹۰)

ساختار ارتش در نظام سیاسی پهلوی با محوریت شعار «خدا، شاه، میهن» بازتولید



شد و ماشین سرکوب و اختناق شامل واحدهای پلیسی (دژبانی، شهربانی، گارد شاهنشاهی و ژاندارمری شاهنشاهی) و واحدهای اطلاعاتی (ساواک، رکن ۲، اینتلیجنت نظامی، بازرسی شاهنشاهی و دفتر ویژه) (هلیدی، ۱۳۵۸: ۸۴) را ایجاد کرد. شاه شخصاً مسؤول ترفیع درجه افسران از سرگرد بالاتر بود و در نیروی هوایی (نیروی محبوب) صلاحیت کلیه داوطلبان ورود به دوره آموزشی را خود از قبل بررسی می‌کرد و به این صورت تسلط استثنایی شاه بر ارتش شکل گرفت. (هلیدی، ۱۳۵۸: ۷۶) شاه در وصیت- نامه سیاسی خود در یکم اذرماه ۱۳۵۲ در سخنانی غیرمترقبه برای مقامات ارشد سیاسی و نظامی، اولین موضوع را به وظایف نیروهای مسلح اختصاص داده و تاکید کرد ارتش نباید در سیاست دخالت کند. شاه ارتش را حافظ قانون اساسی می‌شمرد. وی تاکید می‌کند ارتش در اختیار کامل پادشاه یا در اختیار کسی است که برابر قانون اساسی وظایف پادشاه را انجام می‌دهد و باید «کورکورانه» اطاعت کند: مسلماً هیچ یک از فرماندهان آنقدر بی‌عقل نخواهد بود که با دیگری برای مقاصد شخصی یا با سیاستمداران بند و بست کند...مبادا در نیروهای مسلح مملکت کسی فکر کند می‌تواند با بندوبست با داخلی یا خارجی بر کشور مسلط شود. این خیال باطل است و خانواده ارتش وقتی باقی می‌ماند که همه یکپارچه باشد.» (الموتی، مهر ۱۳۷۵: ۴۰۱-۴۰۲)

به هر حال، نظام سیاسی پهلوی توسط تکیه بر سازمانهای متکثر نظامی - امنیتی شکل گرفت و تداوم یافت. در آن نظام، کارکرد اصلی سازمان نظامی، حفظ سلطه پادشاه بود. یک سناتور آمریکایی در کنگره آمریکا گفته بود: «می‌دانید فرمانده ارتش ایران به یکی از افراد ما چه گفت: او گفته است به علت کمک‌های آمریکا، اکنون ارتش ایران، بهترین صورت [وضعیت] را پیدا کرده، اکنون می‌تواند به خوبی با مردم ایران در بیافتد.» (هلیدی، ۱۳۵۸: ۸۳)

یاست پژوهی

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره)



امام خمینی که از منظر اندیشه، بنیان نظام اسلامی را با نظریه ولایت فقیه گذاشته بود، با ارتش پهلوی که توصیف آن گذشت، مواجه شد. بنابراین جداسازی ارتش از رژیم پهلوی یکی از نخستین اقدامات سلبی برای نظام‌سازی مورد نظر امام بود که سالها قبل از وقوع انقلاب آغاز شد؛ این فرایند را می‌توان ذیل مفهوم «سازمان‌پاشی» بررسی کرد، یعنی روند و اقداماتی که نیروهای نظامی به رژیم وفادار نباشند و در روند تثبیت و استمرار آن، مشارکت نکنند و حتی علیه آن اقدام کنند. (احمدی منش و احمدی منش، بهار ۱۳۹۴: ۸۷) تلاش امام برای جذب بدنه ارتش و فروپاشی تدریجی ارتش پهلوی در این مرحله آغاز شد. نیروهایی که از نظر فکری و نه الزاما نظامی از سازمان ارتش پهلوی جدا شدند، از یکطرف امکان وقوع کودتای نظامی را از آنها سلب کردند و ارتش نتوانست کودتای صنفی کند؛ یعنی کودتایی که در آن ارتش به مثابه یک مجموعه صنفی، یکپارچه عمل می‌نماید؛ (بروکر، ۱۳۸۳: ۱۱۲) از طرف دیگر خشت‌های بعدی ساختمان ارتش جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. درحالی‌که شاه می‌کوشید سازمان نظامی امنیتی خود را هرچه بیشتر مستحکم نماید، امام خمینی به رغم آنکه در تبعید بودند، ضرورت جدایی بخش نظامی از رژیم شاه را درک کرده و برخلاف رویکرد برخی از گروه‌ها که مشی مسلحانه در پیش گرفته‌بودند، قلب ارتش را نشانه می‌رفت و تدابیر تدریجی و گسترده‌ای برای جدایی لایه‌به‌لایه نظامیان به کارگرفتند. هرچقدر پیروزی انقلاب نزدیک می‌شد، تلاش امام برای سازمان‌پاشی ارتش پهلوی نیز شدت می‌گرفت. این یک رویکرد راهبردی بود زیرا هرقدر رژیم‌های سیاسی امکان سقوط خود را بیشتر بدانند، توسل به زور نیز بیشتر می‌شود. در اواخر دوره پهلوی هرچه فرمان سرکوب بیشتر صادر می‌شد، فراخوانی امام از نظامیان نیز افزایش می‌یافت و میزان سازمان‌پاشی شدت می‌گرفت.

در دوره پیشانقلاب، بخش عمده‌ای از سازمان نظامی رژیم مستقر دچار سازمان‌پاشی شد و یکی از دلایل عمده فروپاشی دستگاه سرکوب، همین مساله بود. بسیاری از

سازمان‌پاشی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



سربازان و درجه داران، بیش از آنچه از مافوق نظامی خود اطاعت کنند از امام خمینی به عنوان مرجع پیروی می‌کردند؛ این نظام فرمانبری دوگانه و غلبه فرماندهی شرعی بر نظامی به سازمان پاشی منجر شد. به تعبیر دیگر حاکمیت دوگانه بیش از هر نهاد دیگری در ارتش رخ داد و ساختار ارتش ایران این سازمان پاشی را تشدید می‌کرد. 75 درصد نیروهای ارتش را سربازان و وظیفه تشکیل می‌دادند. آنها از شلیک به سوی توده مردم که خانواده‌هایشان نیز در میان آنها بودند، خودداری می‌کردند. وقتی به آنها دستور سرکوب تظاهرکنندگان داده می‌شد، آگاهیشان افزایش می‌یافت. (سمتی، ۱۳۷۵: ۱۶۵)

امام بدون آنکه حساسیت نظامیان را برانگیزد، با اظهارت حساب شده، احساسات نظامیان را به سوی خود بر می‌انگیخت. ایشان در واکنش به تصویب کاپیتولاسیون، ارتشیان را اینگونه مخاطب قرار داد:

«آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم... دیگر

برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم است؟! یک آشپز آمریکایی بر یک ارتشبد ما مقدم شد در ایران؟! دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من بودم استعفا می‌کردم؛ اگر من نظامی بودم استعفا می‌کردم» (صحیفه نور، ج ۱: ۴۲۰)

توده‌های مردم نیز به تبعیت از روبکرد امام، همواره در نبردهای خیابانی می‌کوشیدند ارتش را از رژیم پهلوی جدا کنند. آنها با طرح شعارهایی چون: سرباز برادر ماست؛ برادر ارتشی چرا برادر کشی، شاخه‌های گل به نظامیان هدیه می‌کردند. برآیند این رویکرد این بود که حتی برخی از سربازان و وظیفه، فرماندهان خود را ترور می‌کردند؛ سربازی که محافظ خدایاری استاندار همدان بود، وی را ترر کرد که البته فقط مجروح شد؛ (قره باغی، بی‌تا: ۸۹) حسن فرد اسدی دیپلم وظیفه‌ای بود که در ۲۶ دی ۱۳۵۷ رئیس شهربانی جهرم را ترور کرد. (لطیفان، ۱۳۸۱: ۲۲۷) به علاوه دی ماه که موج اعتصاب‌ها شدت گرفت، گروه‌هایی از نظامیان نیز دست به اعتصاب زدند. در این



رابطه گروهی متشکل از هزار افسر، همافر و درجه‌دار پایگاه هوایی بندرعباس در محوطه پایگاه با همافران پایگاه‌های شاهرخی و وحدتی که از یک هفته پیش دست به اعتصای غذا زده بودند، و نیز با ملت ایران اعلام همبستگی کردند. (لطفیان، ۱۳۸۰: ۲۲۷)

موضوع ارتباط صمیمانه مردم با سربازان به معضلی برای سران ارتش تبدیل شده بود. در جلسه شورای فرماندهان در ۲۵ دی دستور داده شد سربازان از گرفتن گل از مردم ممنوع شوند و شب‌ها در پادگان‌ها شستشوی مغزی شوند که ممکن است در درون گل، مواد منفجره باشد. (مثل برف آب خواهیم شد، ۱۳۶۶: ۵۴-۵۹)

امام نه تنها بر سربازان وظیفه و درجه‌داران تاثیر گذاشته بود بلکه به گونه‌ای قلب ارتش را نشانه رفته بود که وفادارترین نیروهای نظامی را به سوی خود متمایل کرده بود. ایشان طی اعلامیه‌ای در چهارم آذر ۵۷ خطاب به رؤسای ارتش فرمودند:

«ایران کشور شماسست و ملت ایران ملت شماسست به ملت پیوندید، من می‌دانم بسیاری از شما به ملت و کشور و اسلام وفادار هستید و از این کشتارها و غارتگری‌های شاه خائن و بستگانش و جنایتکاران بین‌المللی ناراحت هستید. گاهی مطالب شما به من می‌رسد. ملت شما لحظات حساسی را می‌گذراند و شما بیشتر از دیگران پیش‌خدا بزرگ و ملت شجاع و نسل‌های آتیه مسئول هستید؛ همتی دلاورانه کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مجال به این خائن به اسلام ندهید، و سرفرازی را برای خود و ملت خود بیمه کنید. خداوند تعالی مددکار خدمتگزاران به اسلام و کشور است.» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۵۷)

تیمسار قره باغی در اعترافات خود، تحولات روز ۲۲ بهمن و عدم سرکوبی مردم توسط ارتش را ناشی از عدم فرمانبری سربازان از امرای ارتش تعبیر کرده بود که با تبلیغات مذهبی روحانیون قدرت مقاومت از نیروهای مسلح سلب شد. (قره باغی، بی‌تا، ۹۸) وقتی شاه می‌خواست ایران را ترک کند، عالی‌ترین سطوح ارتش نیز از هم پاشید و به این ترتیب همه لایه‌های سه‌گانه پایین، میانی و بالای سازمان ارتش فروپاشید.



بسیاری از فرماندهان ارتش به هاینر اظهار می‌کردند در صورت رفتن شاه، خود را ملزم می‌دیدند با او بروند. ژنرال طوفانیان وقتی شاه می‌خواست ایران را ترک کند به او گفته بود:

« اگر اعلیحضرت می‌خواهید بروید، من باید با شما بیایم. گفت نه بمانید و وظایف وطنی را انجام بدهید. گفتم نه اعلیحضرت هیچ وظیفه میهنی ندارم دیگر. وقتی اعلیحضرت به عنوان فرمانده کل قوا می‌روید بیرون، ما نمی‌مونیم تو این مملکت. من هم باید بروم. ... من نمی‌توانم بی اعلیحضرت بمانم...» (خاطرات طوفانیان، ۱۳۶۳، نوار شماره ۳ ص ۱۲)

بی‌اعتقادی بدنه ارتش به نظام حاکم و عدم تبعیت و حتی فرار آنها (به تعبیر قره-باغی روزانه میانگین ۱۲۰۰ نفر) در روزهای پیش از انقلاب، خود را نشان داد. برابر با اظهارات سرپرست شهربانی در دولت بختیار تایید شد که:

«تعدادی از پرسنل شهربانی کتبا گزارش داده‌اند که مسلمان و مقلد آیت الله خمینی هستند و نمی‌توانند بر خلاف اوامر و دستورات آیت الله خمینی رفتار کنند.» (قره باغی، بی‌تا، ۱۲۲-۱۲۱-۱۳۶)

فرایند سازمان‌پاشی به مثابه نخستین مرحله نظام‌سازی نظامی امام خمینی با اطلاعیه فرماندهان ارتش در بیطرفی که عمل تسلیم شدن بود، به پایان رسید.

۳. نظام‌سازی نظامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در نتیجه راهبردهای امام خمینی و همکاری گسترده مردم ایران و ائتلاف سلبی همه نیروهای جامعه ایران، رژیم کاملاً مسلح پهلوی بدون هرگونه شکست خارجی فروپاشید. رژیمی که به اعتراف ژنرال طوفانیان «وقتی انقلاب شد، ما هشتصد هزار تفنگ داشتیم ... صد میلیون گلوله می‌ساختیم» (خاطرات طوفانیان، ۱۳۶۳، نوار شماره ۳ : ۱۹)، فروپاشید. با پیروزی انقلاب، فرایند نظام‌سازی نظامی وارد مرحله ایجابی شد. در این مقطع، نظام‌سازی نظامی پروژه‌ای بسیار سخت بود، زیرا رقابت بسیار شدیدی برای

ساختار نظامی پساپهلوی وجود داشت. بطورکلی چهار راهبرد در این زمینه وجود داشت و تحقق هرکدام، آینده متفاوتی برای انقلاب رقم می‌زد. راهبردهای مذکور به شرح زیر است.

۳-۱. راهبرد انحلال ارتش

راهبرد انحلال ارتش از همان لحظات پیروزی انقلاب اسلامی، توسط حزب توده و گروه‌های چپ مارکسیستی مانند سازمان فدائیان خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) آغاز شد. با توجه به ایدئولوژی حاکم بر این گروه‌ها، آنها به دنبال تحقق انقلاب مارکسیستی در ایران بودند. افشاگری و حملات شدید رسانه‌ای در روزنامه‌های چپ، علیه ارتش و نیروهای انتظامی به عنوان امپریالیستی بودن و نقشه کودتا داشتن به منظور انحلال فوری و کامل آنها و ایجاد ارتش و پلیس خلقی، (بازرگان، ۱۳۸۹: ۲۰۰) از اقدامات گروه‌های مذکور بود.

سازمان منافقین در بیانیه‌های متعدد خود به صراحت اعلام می‌کرد انقلاب در قدم اول باید با انحلال و تجدید سازمان ارتش شروع شود، والا صحبت از انقلاب نکنید. (باقرزاده، ۱۳۷۲: ۳۵) ۱۳ روز بعد از پیروزی انقلاب، مسعود رجوی اعلام کرد: «انقلاب ما ناقص و ناتمام و رو به افول خواهد بود مگر اینکه ارتش مزدور و پس‌مانده‌های شاه اساساً و بنیاداً منحل و به طور انقلابی تجدید سازمان شود... چه نقشه‌هایی امپریالیست‌ها و عمالشان برای ما کشیده‌اند. نقشه‌هایی برای حفظ همین ارتش و تجدید سازمانش. همین ارتش یعنی پس‌مانده شاه. به عبارت دیگر حفظ ارتش شاه ولی بدون شاه. مسئله این نیست که ما با فرد به خصوصی در ارتش دشمنی داشته باشیم، مسئله اساس و نظام و سیستم ارتش است. فردها را این سیستم خراب می‌کند و با خودش می‌برد. همین که این نظام ترک برداشت، دیدیم که برادران قهرمان ارتشی ما چه کردند. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۰۶). وی در ادامه سخنانش، خواستار ایجاد گارد مردمی شد و نسبت به تشکیل نیروهای کمیته انقلاب و خلع سلاح منافقین نیز هشدار داد. به علاوه در مراسم

ساست شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۵۸

سالگرد بزرگداشت دکتر مصدق در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷، تجمع بزرگی در احمد آباد برگزار شد که در آن رجوی شدیداً به ارتش حمله کرد و خواهان تشکیل ارتش بی طبقه توحیدی شد و انحلال ارتش اولین بار توسط رجوی عنوان شد. (طباطبایی، ۱۳۸۷ ج ۳ : ۲۶۶)

رجوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و محاکمه و اعدام سران ارتش و ساواک، ضمن عدم مشارکت در جلسه محاکمه سران ارتش در روزهای نخست، طرحی را پیشنهاد کرد که براساس آن ساواکی‌ها در دهکده المپیک تحت نظر سازمان مجاهدین قرار گیرند تا در اردوگاههای بازآموزی و بازسازی به بهانه جلوگیری از قهر عنان-گسسته و انتقام، تحت کنترل سازمان درآیند. (دانشگاه هاروارد، بی تا: ۱۵۲-۱۵۴) وی در خاطرات شفاهی خود به صراحت اعتراف می کند:

« نگذاشتیم خلا را نیروهای شاهی و [امام] خمینی پر کنند.»، «توانستیم میلیشای مجاهدین را سازمان بدهیم اما نگذاشتندمان و خلع سلاحمان کردند.» (دانشگاه هاروارد، بی تا: ۱۷۵ و ۱۶۰)

سازمان منافقین پس از پیروزی انقلاب، نیروی شبه نظامی خود را تقویت کرد و با آموزش و با اسلحه های غارت شده از پادگانها و کارخانه های اسلحه سازی، آنها را تجهیز و در خانه های تیمی برای شرایط ویژه تدارک دید. بعلاوه، منافقین به سرعت شوراهایی را تشکیل داده بودند و افرادی را برای موقعیت های نظامی در سراسر کشور تعیین کرده بودند و خود را به عنوان هسته نظامی نظام سیاسی جدیدی می دیدند. (لطفیان، ۱۳۸۰ : ۴۲۲) امام خمینی در اردیبهشت ۱۳۶۰ خواستار آن شد که سازمان منافقین اسلحه های خود را تحویل دهد. (صحیفه نور، ج ۱۴ : ۳۴۲-۳۴۳) اما این سازمان دارای برنامه های بلند مدتی بود و هر روز در راه اجرای استراتژی خود، گامی دیگر بر می داشت.

سازمان فدائیان خلق نیز بشدت با خلع سلاح مردم مخالفت و اعلام کرد: «با متلاشی



شدن ارتش، مردم مسلح می‌توانند انقلاب مسلح توده‌ای را در جهت حاکمیت طبقه کارگر راه‌اندازند و از این طریق مبارزه ضد امپریالیستی هموار خواهد شد... ارتش که حربه اصلی امپریالیسم و نوکرانش بود، به نیروی شکوهمند جانبازی توده‌های مردم درهم شکست و می‌رود تا فردا ارتش خلق بنیان گیرد.» (اسماعیل زاده، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷)

۳-۲. راهبرد کوچک‌سازی ارتش

دومین راهبرد در قبال ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کوچک‌سازی ارتش نسبت به دوره پهلوی بود. این راهبرد توسط نیروهای موسوم به ملی‌گرایان تعقیب می‌شد. آخرین سفیر آمریکا در خاطرات خود با اشاره به مذاکراتی که با اعضای نهضت‌آزادی در باره آینده ارتش داشته، می‌گوید آنها تصریح می‌کردند عده زیادی از امرای ارتش از نظر آنها مطرود هستند. به گفته وی لیستی متجاوز از صد افسر ارتش تهیه شد که می‌بایست پس از خروج شاه از ایران، استعفا کنند. (سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۵۶) سفیر آمریکا قبل از فروپاشی نظام پهلوی در مذاکرات با بازرگان، علاقمندی خود را به اینکه نیروهای مسلح دست نخورده باقی بمانند و با حکومت آینده همکاری کنند، (سولیوان، ۱۳۶۱: ۱۶۷) به صراحت ابراز داشته بود. جبهه ملی و نهضت‌آزادی معتقد بودند ارتش باید مانند سایر کشورهای غربی، به یک نیروی حرفه‌ای و کوچک تبدیل شود. استدلال حامیان این رویکرد، از نگرش لیبرالی دولت موقت نسبت به سیاست و همچنین از تجربه تاریخی سلسله پهلوی نشأت می‌گرفت. دولت موقت سلسله‌ای از اقدامات انجام داد که هدف آن، کوچک‌سازی کمی و کیفی بود. عباس امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت، اعلام کرد که ایران کلیه قراردادهای نظامی خود را با دیگر کشورها لغو خواهد کرد و فعالیت نیروهای نظامی محدود می‌گردد. این طرز تلقی دولت موقت با این هدف بود که کشورها و قدرت‌های بزرگ حساسیت‌های خود را نسبت به ایران کاهش بدهند زیرا پرهیز از خشونت‌طلبی باعث ایجاد فضای امنی نسبت به انقلاب اسلامی ایران می‌گردید. (آقایی، ۱۳۸۶: ۸۳) دولت موقت در تداوم این رویکرد، اقدامات متعددی را از

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



جمله اعلان خروج از پیمان سنتو در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷، برچیدن دو پایگاه استراق سمع ایالات متحده در جوار مرزهای شوروی، لغو معاهده دفاعی ۵ مارس ۱۹۵۹ ایران و ایالات متحده و الغای اصول ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی، انجام داد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۰۲) در این مقطع بود که دوره سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه کاهش یافت و حتی سربازگیری برای مدتی متوقف شد. (لطفیان، ۱۳۸۰: ۲۰۶) به علاوه قراردادهای ۱۲ میلیارد دلاری خرید تسلیحات از آمریکا لغو شد و تلاش شد تجهیزات کشاورزی جایگزین خرید شش فروند زیر دریایی از آلمان غربی شود. بودجه نظامی کشور نیز در سال ۱۳۵۸، به کمتر از نصف سال گذشته کاهش یافت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۰۹)

مهندس بازرگان در راس دولت موقت، پس از پافشاری چپ بر ضرورت انحلال ارتش و ایجاد ارتش خلقی، از موقعیت ارتش دفاع کرد و تضعیف آن را مایه دخالت خارجی دانست. (برزین، ۱۳۷۸: ۳۰۲)

سیاست پژوهی

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره)



وی در راستای سیاست‌های خود در مورد ساختار ارتش، تنها برکناری فرماندهان عالی‌رتبه ارتش را کافی می‌دانست و هیچ‌گاه تغییر و تعویض‌های گسترده در سطح میانی و پایین را نپذیرفت و اعتقاد داشت ارتشیان منهای فرماندهان ارشد آن انقلابی و صمیمی و در خدمت مردم بودند. (بازرگان، ۱۳۶۱: ۹۳) بازرگان، معاونان فرماندهان ارتش شاه، که بسیاری از آنها طی انقلاب دستگیر شده بودند، را در دولت جدید به مناصب بالا گمارد. سیاست دولت موقت در قبال ارتش موجب اعتراضاتی از سوی سربازان، به ویژه در میان نیروی هوایی شد که خواهان انتخاب دموکراتیک فرماندهان از طریق شورای سربازان بودند.

۳-۳. راهبرد تقویت و تثبیت ارتش

دیدگاه ابوالحسن بنی‌صدر در مقام نخست‌وزیری و فرماندهی کل قوا در باره ارتش ۶۱ به‌رغم مشابهت‌هایی با دولت موقت، با آنها متفاوت بود. وی در کوتاه‌مدت خواهان

تقویت ارتش بود. اگرچه وی با گروه‌های چپ‌گرا مانند منافقین ارتباط بیشتری داشت؛ اما خواهان انحلال ارتش نبود و تمایل داشت ارتش به گونه‌ای تقویت شود که در مقابل نهادها و نیروهای انقلابی ایستادگی کند. یکی از اقدامات بنی‌صدر برای تقویت ارتش، ایجاد گارد ویژه ریاست‌جمهوری با هدف مقابله با نهادهای جدید انقلابی بود. وی حزب جمهوری اسلامی را به انحلال ارتش و هضم آن در سپاه متهم می‌کرد و در این زمینه مدعی بود:

«طرحی که آقای بهشتی به شورای انقلاب آورده بود، این بود که برای اینکه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ ندهد، یک هیات مدیره در کشور تشکیل شود با شرکت نمایندگانی از کمیته انقلاب، سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب و شورای انقلاب. این هیات مدیره جهت تصفیه کامل ارتش تا مرحله انحلال بطور کامل در اختیار سپاه پاسداران درآید و تمام افراد غیر- نظامی ارتش هم می‌روند تحت کنترل رژیم.» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۰۴-۳۰۵)

بنی‌صدر تقویت ارتش را با این بهانه در دستور کار قرار داد که

«از مجاری گوناگون و مراکز متعدد تصمیم‌گیری و قدرت غیرنظامی به ارتش دستور می‌دهند و این نقطه ضعف ارتش است.» (بنی‌صدر ۱۳۵۹، : ۲۱).

وی در نامه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹، تقویت نهادهای انقلابی را تحت عنوان اشراف بر ارتش و تضعیف رئیس‌جمهور تحلیل می‌کرد. (نامه‌ها، ۱۳۸۵: ۲۷) بنی‌صدر ذیل عنوان ایجاد رهبری منسجم در هدایت نیروهای مسلح از امام درخواست واگذاری فرماندهی کل به خود کرد. (نامه‌ها، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰) امام ۳۰ بهمن ۱۳۵۸، بنی‌صدر را به فرماندهی کل قوا منتصب و ضمن تاکید بر تمرکز قوا بر موازین اسلامی در امور لشکری و کشوری تاکید کردند. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ۱۶۷). بنی‌صدر با حفظ شاکله اصلی ارتش حتی می‌کوشید ارتباط آن را با آمریکا حفظ کند. وی پس از آغاز جنگ، با اتخاذ راهبرد رویارویی متقارن و جنگ کلاسیک، از ورود نیروهای مردمی و سازماندهی آنها نیز

ساست شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



جلوگیری کرد تا انحصار قدرت نظامی را دست خود داشته باشد.

۳-۴. راهبرد تحول تدریجی؛ راهبرد امام خمینی

فرایند نظام‌سازی نظامی که توسط امام خمینی سال‌ها پیش از انقلاب آغاز شده بود، با غلبه بر راهبردهای سه‌گانه مذکور وارد مرحله ایجابی شد. این مرحله هم در عرصه سازمانی و هم محتوایی موجب گذار ارتش پهلوی به ارتش جمهوری اسلامی شد. مجموعه اقداماتی که در این مرحله انجام شد را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد.

۱- تاکید بر حفظ ارتش با دیدارهای مکرر؛ امام خمینی در روزهای پس از پیروزی انقلاب، با نظامیان دیدارهای متعددی داشتند. این دیدارها علاوه بر آنکه بیعت نیروهای نظامی با رهبر انقلاب بود، نشانه‌ای از توجه ایشان به حفظ ارتش در نظام انقلابی نیز بود. ایشان در حالی که موضوع انحلال ارتش مطرح می‌شد، حفظ ارتش را با عباراتی بسیار صریح مورد تاکید قرار می‌دادند. از جمله «تضعیف ارتش ما

تضعیف اسلام است. (صحیفه نور، ج ۶: ۲۷۵)

یاست پژوهی

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره)

«هرکس با شما مخالفت کند با استقلال مملکت مخالفت کرده، با اسلام مخالفت کرده. من اعلام می‌کنم که اگر کسی با ارتش ما امروز مخالفت بکند با اسلام مخالفت کرده است، با پیغمبر اسلام مخالفت کرده است. امروز ارتش ارتش طاغوتی نیست، ارتش محمدی است.» (صحیفه نور، ج ۷: ۲۵)

«هیچ کشوری بی‌نیاز از نیروی نظامی و ارتش نیست ولی ارتش باید پاسدار استقلال و امنیت کشور باشد نه حافظ یک دیکتاتوری مستبد، و مطرود تمامی ملت و مأمور قتل عام فرزندان کشور.» (صحیفه نور، ج ۵، ۳۸۴)

«الان این ارتش، ارتش اسلام است و ارتش اسلام احترام دارد و کسی حق ندارد این احترام را از بین ببرد.» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۴۴)



۲- حفظ نظم و سلسله مراتب؛ یکی از شیوه‌های غیر مستقیم چپ‌گرایان برای

انحلال ارتش، طرح به هم ریختن سلسله مراتب در ارتش بود. امام خمینی این شگرد را با بیانات زیر خنثی کردند:

«یک اشتباهی گاهی دیده می‌شود که بعضی از افراد منحرف در بین پرسنل های شهربانی یا در بین درجه‌دارهای ارتشی یا ژاندارمری پخش می‌کنند و جوانها را وادار به بعضی کارهای ناشایسته می‌کنند و آن این است که به آنها می‌گویند حالا که انقلاب شده‌است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده‌است دیگر درجه‌دار و افسر و سرباز ندارد جامعه توحیدی این یک اشتباه است... جامعه توحیدی به آن طوری که آنان می‌گویند یعنی جامعه هرج و مرج... اساس ارتش اساس ژاندارمری اساس نظام در عالم نه فقط در اینجا در عالم از اولی که یک نظام پیدا شده‌است اساس بر این بوده‌است که مراتب محفوظ باشد. فرق بین دولت اسلامی و غیراسلامی این است که از بالا به پایین ظلم نشود نه فرمان داده نشود. اطاعت باید بشود و ظلم نباید بشود. در زمان رسول الله همه مطیع رسول بودند و او فرمانروا بود اما از طرف ایشان به کسی ظلم نمی‌شد. افراد ارتش موظفند در داخل ارتش حفظ نظم و سلسله‌مراتب و ضوابط را بکنند. توجه نمودن به این مسائل موجب ضعف ارتش اسلامی می‌شود و نظام را از هم می‌پاشد. سربازان و درجه‌داران و افسران موظفند سلسله مراتب را حفظ و مراعات کنند.» (صحیفه نور ج ۶: ۲۴)

۳- اعلام عفو عمومی؛ پس از آنکه گروههای مخالف و بویژه چپ‌گرایان برای تضعیف ارتش، اقدامات مختلفی انجام دادند از جمله برگزاری تظاهرات و حتی ترور برخی نظامیان از جمله سرلشکر محمد امین بیگلری جانشین گارد جاویدان و سپهبد بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی ارتش در ۲۳ بهمن، (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۷۳) امام خمینی ۲۸ اسفند ۱۳۵۸ فرمان اعلام عفو عمومی صادر کردند تا به اینصورت از بدنه ارتش حفاظت شود. ایشان پس از تشریح اوضاع فرمودند:

«من برای احساس خطر و جلوگیری از این نقشه شوم و حفاظت کشور



عزیز و اسلام بزرگ، کلیه قشرهایی که دستشان به خون بی‌گناهی آغشته شده و امر به قتل نفوس نکرده و شکنجه‌گر نبوده و امر به شکنجه منتهی به قتل نکرده و از بیت‌المال و اموال مردم سوءاستفاده ننموده، در آستانه سال جدید عفو عمومی نمودم؛ چه نظامی و چه سایر قوای انتظامی و چه ساواکی و چه روحانی‌نمای وابسته و پیوسته به رژیم سابق. از این تاریخ به بعد احدی حق تعرض به کسی را ندارد، نه مقامات مسئول و نه گروه غیرمسئول.» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۱۲)

۴- پاکسازی و تصفیه؛ نظام سازی نظامی در شرایطی که ساختار ارتش پهلوی دست نخورده باقی مانده بود، نیازمند تصفیه هدفمند بود. یکی از نخستین اقدامات، در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی، بازداشت و محاکمه تعدادی از سران ارتش بود که در کشتار مردم دست داشتند. دلیل محاکمه این افراد، جلوگیری از اقدامات سازمان یافته ارتش در مقابل انقلاب بویژه با توجه به ساختار سلسله مراتبی ارتش و نیز اصرار برخی فرماندهان آنها بر مواضع خود بود. امام خمینی در این باره فرمودند:

یاست شوی

تضعیف ارتش ما تضعیف اسلام است. تضعیف نکنید. البته تصفیه می‌شود؛ تمام ادارات تصفیه می‌شود، تمام وزارتخانه‌ها تصفیه می‌شود. دزدها بیرون می‌روند، خیانتکارها بیرون می‌روند. لکن همه خیانتکار نیستند؛ امنا باقی می‌مانند، عزیزند. « (صحیفه نور، ج ۶: ۲۷۵) در این دوره فرماندهانی چون نصیری رئیس سابق ساواک، مهدی رحیمی فرماندار نظامی سابق تهران، امیر حسین ربیعی فرمانده سابق نیروی هوایی، عنایت‌الله محقق فرمانده پایگاه شاهرخی همدان، پرویز امین افشار رئیس لشکر گارد، سرتیپ همدانیان رئیس ساواک کرمانشاه محاکمه و اعدام شدند. (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۷۴-۳۷۹) بعدها این حذف فیزیکی ادامه یافت به گونه‌ای که ۴۰۴ نفر از مقامات دولت شاه اعدام شدند که ۸۵ نفر آنها پرسنل نظامی بودند و ۱۵۳ نفر عضو ساواک و شهربانی بودند. از

نظام‌سازی نظامی در اندیشه و کنش سیاسی امام خمینی (ره)



دیگراقدامات نظام سازی در ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بازنشستگی اجباری نظامیان ارشد غیرهمسو با انقلاب بود. دوم اسفند ۱۳۵۷، هفت

سپهد و ۳۲ سرلشکر شاغل در ژاندارمری بازنشسته شدند. (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۸۲-۳۸۰) این اقدام نیز به منظور تغییرات در شاکله ارتش بود. در سال های نخست فرایند پاکسازی ارتش تداوم یافت. با تشکیل سازمان عقیدتی سیاسی، ماهیت و هویت ارتش دچار تحول اساسی شد. روند پاکسازی در ارتش ادامه یافت به گونه‌ای که تا شهریور ۱۳۵۹، ۱۲ هزار نظامی پاکسازی شدند (لطفیان، ۱۳۸۰: ۳۹۹) که برای کاهش احتمال کودتا و تغییر ارتش پیشانقلابی بود.

۵- اعلام روز ارتش؛ حضرت امام خمینی با اعلام روز ارتش در ۲۹ فروردین ۱۳۵۸، اقدامی راهبردی در حفظ ارتش انجام دادند. در فرمان پنج بندی امام، مواردی مختلفی از جمله تاکید بر عفو نظامیانی که در رژیم گذشته مرتکب خطاهایی شده اند، تاکید مجدد بر سلسله مراتب و حفظ نظم که می توان آن را شاکله نظام سازی نظامی پس از انقلاب در ارتش خواند، وجود داشت. دربخشی از پیام امام خمینی (ره) آمده بود:

«روز چهارشنبه ۲۹ فروردین روز ارتش اعلام می شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان های بزرگ با سازوبرگ به رژه پردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فداکاری در راه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند. ملت ایران موظفاند از ارتش اسلامی استقبال کنند و احترام برادرانه از آنان نمایند. اکنون ارتش در خدمت ملت و اسلام است و ارتش اسلامی است، و ملت شریف لازم است آن را به این سمت رسماً بشناسند و پشتیبانی خود را از آن اعلام نمایند. اکنون مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان مرزهای آن است جایز نیست.» (صحیفه نور، ج ۷: ۲۰-۲۱)

۶- تغییر ماهیت ارتش؛ از اقدامات بسیار مهم حضرت امام ایجاد سازوکاری برای تغییر کیفی و ماهیتی ارتش بود. در این رابطه می فرمایند:

«ارتش اساس یک ملت است حافظ یک ملت است اگر ارتش، اسلامی و فکرش اسلامی بشود مملکت را به کمال مطلوب می رساند.» (صحیفه



در این راستا بود که سازمان عقیدتی سیاسی ارتش به وجود آمد تا ارتشی مطابق با نظام جمهوری اسلامی ایجاد شود. حضرت امام خمینی (ره) با آگاهی کاملی که از اوضاع داشتند، با صدور حکمی، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا صفایی را به‌عنوان رئیس اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش منصوب کردند و حکمی نیز خطاب به رئیس ستاد مشترک ارتش صادر فرموده و تصریح کردند که سازمان سیاسی ایدئولوژیک در انتخاب خط مشی خود، صرفاً تابع ولایت فقیه است و فقط از نظر انسانی و آحاد و پشتیبانی تابع ستاد مشترک ارتش می‌باشد. سپس اولین جدول سازمان اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۵ مورد تصویب قرار گرفت و متعاقب آن مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی طی نامه‌ای به دفتر مشاورت امام (ره) در ارتش اعلام کرد که به فرموده امام (ره)، این جدول به کلیه سازمان‌ها و ادارات وابسته به ستاد مشترک ارتش، نیروهای سه‌گانه و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط ابلاغ و **یست‌پژوی** نسبت به اجرای آن تأکید شود.

۷- تاسیس نهادهای جدید نظامی؛ در کنار حفظ و تقویت ارتش، حضرت امام خمینی فرمانهایی برای تاسیس نهادهای جدید نظامی و انقلابی صادر کردند. در این رابطه کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین نیز ایجاد شدند. این نهادها در عرض ارتش به منظور تکوین سازمان نظامی جمهوری اسلامی، ایجاد شدند. بررسی این نهادها خارج از موضوع این مقاله است.

نتیجه‌گیری

با پردازش فرضیه مقاله، می‌توان موارد زیر را ذکر است. این موارد مشی از مدیریت حضرت امام در گذار مطمئن و نهادینه شده انقلاب اسلامی را تبیین می‌کند.

۱- نحوه گذار انقلابها به وضعیت پساانقلابی، تاثیر بسیار مهمی بر سرنوشت انقلابها دارند. انقلاب اسلامی ماحصل ائتلاف گسترده نیروهای اجتماعی بود. از روز ۲۳

بهمن ۱۳۵۷ نیروهای سیاسی برای جهت‌دهی به مسیر آینده انقلاب به دنبال تحقق نظام مورد نظر خود بودند. نتیجه همه‌پرسی تعیین نوع نظام پساپهلوی، وزن اجتماعی نیروهای سیاسی را نشان داد. نیروهای مذهبی به رهبری امام خمینی رهبری قاطع جریان انقلابی را داشت اما این اکثریت بدون راهبرد مناسب و نظام سازی انقلابی ممکن بود به نتایج دیگری منجر شود. امام خمینی با آگاهی از پشتیبانی قاطع ملت ایران، سازماندهی و نظام‌سازی نظامی را که چندین سال قبل از انقلاب شروع کرده بودند، در مرحله پس از پیروزی نیز سازماندهی و مدیریت راهبردی کردند.

۲- اگر راهبرد جریان چپ در حوزه نظام‌سازی نظامی محقق شده بود، دو راه برای انقلاب اسلامی متصور بود. نخست، ارتش خلقی جانشین ارتش پهلوی می‌شد و با جلوگیری از تکوین ارتش انقلابی و اسلامی، گروهی اقلیت با ابزار خشونت و سرکوب قدرت را بدست می‌گرفت. دوم؛ با اخراج گسترده نیروهای ارتش، جذب حداکثری رخ نمی‌داد، با توجه به اینکه هنوز سایر نیروهای نظامی - امنیتی نهادینه نشده بودند، غائله‌های قومی منجر به جنگ داخلی می‌شد؛ وقوع غائله‌های قومی بخشی از فرایند انحلال ارتش و در عین حال بخشی از پیامدهای آن نیز محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تجربه تاریخی نشان‌دهنده است، ارتش‌سازی فرایند بلندمدتی است، بنابراین انقلاب اسلامی از نظر نظامی با یک خلأ روبرو می‌شد که پرکردن آن بسیار سخت بود. دخالت قدرت‌های خارجی برای دستیابی به مطامع خود نیز این وضعیت بی‌ثباتی را تشدید می‌کرد.

۳- اگر راهبرد تقویت ارتش که مورد نظر بنی‌صدر بود، محقق می‌شد، ارتش پهلوی بویژه با حمایت خارجی موفق به کودتا می‌شد؛ یعنی با انجام کودتایی خشن و مستظهر به حمایت، سرنوشت انقلاب را تغییر می‌داد. اگرچه ارتش پیش از انقلاب نتوانست کودتا کند، اما نباید این حکم را به دوره پس از انقلاب تسری داد. تلاش برای کودتای نافرجام نوژه در تیر ۱۳۵۸ مهمترین دلیل برای اثبات این مدعا است.

۴- اگر راهبرد تضعیف ارتش تداوم می‌یافت، ممکن بود از وقوع کودتا جلوگیری



شود اما ساختار نظامی ملی ضعیف در مقابل گروههای مخالف چپ که دارای میلشای قدرتمند بودند، دوام نمی‌آورد و انقلاب بدست چپ‌گرایان می‌افتاد. به-علاوه ساخت قدرت سیاسی در کشورهای هم‌جوار جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که تضعیف نظامی ایران را پس از انقلاب به مثابه از بین رفتن توازن قدرت و از بین رفتن موازنه تلقی کرده و به ایران حمله می‌شد. در حقیقت بخشی از دلیل آغاز حمله عراق به ایران نیز براساس ادراک دولت صدام از وضعیت نظامی ایران بویژه در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به راهبرد نظام‌سازی نظامی دولت موقت، باز می‌گشت.

۵- امام خمینی با رویکرد تدریجی تغییر ساختار نظامی در سطوح کمی و کیفی که طی فرایندی طولانی در وجوه سلبی- قبل از انقلاب- و ایجابی- پس از انقلاب انجام شد؛ هم مانع از اعاده رژیم پیشانقلابی شدند و هم ساختار نظامی ایران را حفظ کردند. ساختار نظامی گسترده و مردم پایه‌ای که طولانی‌ترین و در عین حال نابرابرترین جنگ قرن بیستم را مدیریت کرد. با تثبیت و خودکفایی ارتش، ایران پس از ۴۰ سال به یکی از قدرت‌های مهم منطقه‌ای تبدیل شده‌است که مرزهای امنیتی خود را بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی ترسیم کرده و عاملی برای حفظ امنیت منطقه نیز تبدیل شده‌است.

یاست پژوهی



فهرست منابع

۱. احمدی منش، حسین و محمد احمدی منش (بهار ۱۳۹۴)، سازماندهی در انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۰.
۲. احمدی، حمید(به کوشش)، (۱۳۸۰)، درس تجربه؛ خاطرات ابوالحسن بنی صدر(اولین رئیس جمهوری ایران)، برلین: انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. اراکی، محسن (۱۳۹۲)، دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی معاصر، ترجمه محمد مقدس، قم: ادیان.
۴. ارتش از دیدگاه امام خمینی(ره)، تبیان آثار موضوعی، دفتر سی و نهم، (۱۳۸۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
۵. اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۴)، دیدگاهها و موضع‌گیریهای سازمان چریکهای فدایی خلق در قبال انقلاب اسلامی، پژوهشنامه متین، شماره ۲۶
۶. اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰)، دولت موقت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۷. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، امام خمینی و نهادهای انقلابی، تبیین آثار موضوعی، دفتر سی و-هشتم، تهران، عروج، چاپ دوم.
۸. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، ایران بین دو انقلاب، مترجم احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی
۹. آقایی، داود (۱۳۸۶)، اتحادیه اروپا و سیاست خارجی ایران، تهران، انتشارات سرای عدالت (رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی): مطالعه موردی ایران، سیاست، سال دوم، شماره ۳.
۱۰. الموتی، مصطفی، (مهر ۱۳۷۵ - اکتبر ۱۹۹۶)، بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۱۳۵۷، روز شمار نخست وزیران، جلد سوم از امیراسدالله علم تا شاهپور بختیار، لندن: پکا.
۱۱. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۶۱) مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب، تهران، نهضت آزادی ایران
۱۲. بازرگان، مهدی (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و انقلاب مارکسیستی، مجموعه آثار (۲۵) مهندس مهدی بازرگان، بازیابی ارزشها (۱)، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
۱۳. برزین، سعید (۱۳۷۸)، زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.
۱۴. بروکر، پل (۱۳۸۳)، رژیم‌های غیر دمکراتیک، نظریه‌ها، سیاست و حکومت، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، کویر.
۱۵. بلانشه، پیر (۱۳۵۸)، ایران: انقلاب بنام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب

ساست شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۷۰

۱۶. بنی‌صدر، ابوالحسن (۱۳۵۹)، روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد؟ ج. شش، بخش دوم، تهران، انقلاب اسلامی
۱۷. تقوی، سیدمصطفی (۱۳۸۹)، امنیت در دوره رضاشاه، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۸. دانشگاه هاروارد، (بی تا) خاطرات شفاهی، به کوشش حبیب لاجوردی، جلد یازدهم، بخش خاطرات مسعود رجوی
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، سمت، چ سوم.
۲۰. زونیس، ماروین (۱۳۸۷)، روانشناسی سیاسی نخبگان ایران، ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین زاده و زهرا لبادی، تهران، چاپخش.
۲۱. سولیوان، ویلیام (۱۳۶۱)، ماموریت در ایران، ترجمه محمود شرقی، تهران، هفته.
۲۲. صحیفه نور امام خمینی (ره)
۲۳. طباطبایی، صادق (۱۳۸۷)، خاطرات سیاسی - اجتماعی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام - خمینی، جلد ۳
۲۴. قره‌باغی، عباس، (بی تا)، حقایق در باره بحران ایران، پاریس، سهیل
۲۵. لدین، مایکل و ویلیام لوئیس (۱۳۶۱)، کارتر و سقوط شاه، ترجمه ناصر ایرانی، تهران، امیرکبیر، چ دوم.
۲۶. لطفیان، سعیده (۱۳۸۰)، ارتش و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۷. مجیدی، محمدرضا و حدیث اقبال (۱۳۹۳)، الگوی نظام‌سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ ارزیابی مردم‌سالاری دینی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۸.
۲۸. محمدی و دود، سید حسین (۱۳۹۳)، ارتش در گذار از بحران‌های انقلاب (پیوند ماندگار)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۹. ملایی توانایی، علیرضا (۱۳۸۵)، فرایند گرایش به انقلاب در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، در ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی، (جلد دوم)، تهران، عروج؛ چ ۲.
۳۰. مولانا، حمید (۱۳۸۵)، فراسوی دولت-ملت؛ امام خمینی و احیای هویت اسلامی، در ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی، (جلد دوم)، تهران، عروج؛ چ ۲.
۳۱. نامه‌ها از بنی‌صدر به امام خمینی و دیگران، به اهتمام فیروزیه بنی‌صدر (۱۳۸۵)، آلمان: انقلاب اسلامی.
۳۲. هلیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران، امیرکبیر.



